ای ذبیح در اکثری از الواح الهیّه از قلم امریّه نازل و جمیع احبّای الهی را وصیّت فرمودیم که ذیل مقدّس را بطین اعمال ممنوعه و غبار اخلاق مردوده میالایند و همچنین وصیّت فرمودیم که بما نزّل فی الألواح ناظر باشند اگر وصایای الهیّه را که از مشرق قلم رحمانی اشراق فرموده بگوش جان میشنیدند و باصغای آن فائز میگشتند حال اکثر من فی الامکان را بخلعت هدایت مزیّن مشاهده مینمودی ولکن قضی ما قضی حال کرّة اخری در این ورقهٴ بیضا لسان قدم در این سجن اعظم میفرماید ای احبّای حقّ از مفازهٴ ضیّقهٴ نفس و هوی بفضاهای مقدّسهٴ احدیّه بشتابید و در حدیقهٴ تقدیس و تنزیه مأوی گیرید تا از نفحات اعمالیّه کلّ بریّه بشاطی عزّ احدیّه توجّه نمایند ابداً در امور دنیا و ما یتعلّق بها و رؤسای ظاهرهٴ آن تکلّم جایز نه حقّ جلّ و عزّ مملکت ظاهره را بملوک عنایت فرموده بر احدی جایز نه که ارتکاب نماید امری را که مخالف رأی رؤسای مملکت باشد و آنچه از برای خود خواسته مداین قلوب عباد بوده و احبّای حقّ الیوم بمنزلهٴ مفاتیحند انشآءالله باید کل بقوّت اسم اعظم آن ابواب را بگشایند اینست نصرت حقّ که در جمیع زبر و الواح از قلم فالق الأصباح جاری شده و همچنین با ناس بمدارا حرکت نمایند و رفتار کنند و بکمال تقدیس و تنزیه و صدق و انصاف ظاهر شوند بشأنی که جمیع ناس آن نفوس را امنآء الله فی العباد شمرند حال مشاهده کن در چه سمائی طیر اوامر حقّ در طیرانست و در چه مقامی آن نفوس ضعیفه ساکن طوبی للّذین طاروا بأجنحة الایقان فی هوآء الّذی جری من قلم ربّک الرّحمن ای ذبیح نظر باعمال حقّ کن و قل تعالی تعالی قدرته الّتی احاطت العالمین و تعالی تعالی انقطاعه الّذی علا علی الخلائق اجمعین تعالی تعالی مظلومیّته الّتی احترقت بها افئدة المقرّبین مع آنکه ببلایای لایحصی در دست اعدا مبتلا جمیع رؤسای ارض را واحداً بعد واحد تبلیغ نمودیم آنچه را که ارادة الله بآن تعلّق یافته بود لیعلموا الأمم انّ البلآء لا یمنع قلم القدم انّه یتحرّک باذن الله مصوّر الرّمم حال مع این شغل اعظم لایق آنست که جمیع احبّا کمر خدمت محکم کنند و بنصرت امر الله توجّه نمایند نه آنکه بارتکاب امور شنیعه مشغول شوند اگر قدری در افعال و اعمال ظاهرهٴ حقّ مشاهده نمائی لتخرّ بوجهک علی التّراب و تقول یا ربّ الأرباب اشهد انّک انت مولی الوجود و مربّی الغیب و الشّهود و اشهد انّ قدرتک احاطت الکائنات لا تخوّفک جنود من علی الأرض و لا تمنعک سطوة من علیها و اشهد انّک ما اردت الّا حیاة العالم و اتّحاد اهله و نجاة من فیه حال قدری تفکّر نمائید که دوستان حقّ در چه مقام باید حرکت نمایند و در چه هوا طیران کنند ان اسأل الله ربّک الرّحمن فی کلّ الأحیان بأن یوفّقهم علی ما اراد انّه لهو المقتدر العزیز العلّام ای ذبیح ضرّ این مظلوم از سجن و تاراج و اسیری و شهادت و ذلّت ظاهره نبوده و نیست بلکه ضرّ اعمالیست که احبّای حقّ بآن عاملند و آن را نسبت بحقّ میدهند هذا ضرّی ونفسه المهیمنة علی العالمین و ضرّ اکبر دیگر آنکه هر یوم یکی از اهل بیان مدّعی امر شده و بعضی متمسّک بغصنی از اغصان و بعضی مستقلّاً گفته‌اند آنچه گفته‌اند و عاملند آنچه عاملند ای ذبیح لسان عظمت میفرماید ونفسی الحقّ قد انتهت الظّهورات الی هذا الظّهور الأعظم و من یدّعی بعده انّه کذّاب مفتر نسأل الله بأن یوفّقه علی الرّجوع ان تاب انّه لهو التّوّاب و ان اصرّ علی ما قال یبعث علیه من لا یرحمه انّه لهو المقتدر القدیر مشاهده کن که اهل بیان آنقدر ادراک ننموده‌اند که مظهر قبلم و مبشّر جمالم آنچه فرموده ناظراً الی الظّهور و قیامه علی الأمر فرموده والّا ونفسه الحقّ بکلمه‌ئی از آنچه فرموده تکلّم نمینمودند این جهّال امر غنیّ متعال را لعب اطفال دانسته‌اند هر روز بخیالی حرکت مینمایند و در مفازه‌ئی سایرند لو کان الأمر کما یقولون کیف یستقرّ امر ربّک علی عرش السّکون تفکّر و کن من المتفرّسین تفکّر و کن من المتوسّمین تفکّر و کن من الرّاسخین تفکّر و کن من المطمئنّین علی شأن لو یدّعی کلّ البشر بکلّ ما یمکن او فوقه لا تتوجّه الیهم و تدعهم عن ورائک مقبلاً الی قبلة العالمین لعمری انّ الأمر عظیم عظیم و الیوم عظیم عظیم طوبی لمن نبذ الوری عن ورائه متوجّهاً الی وجه الّذی بنوره اشرقت السّموات و الأرضین ای ذبیح بصر حدید باید و قلب محکم و رجل نحاس شاید تا بوساوس جنود نفسیّه نلغزد اینست حکم محکم که بارادهٴ مالک قدم از قلم اسم اعظم جاری و نازل شده ان احفظه کما تحفظ عینک و کن من الشّاکرین در لیالی و ایّام بخدمت حقّ مشغول باش و از دونش منقطع لعمری ما تراه الیوم سیفنی و تجد نفسک فی اعلی المقام لو تکون مستقیماً علی ما امرک مولاک انّ الیه منقلبک و مثواک.